



## مغالطه معنوی تألیف قضایا

مغالطه معنوی تألیف قضایا، بمعنای مغالطه غیر لفظی به اعتبار تألیف چند قضیه در قالب استدلال است.

### فهرست مندرجات

- ۱ - اسباب مغالطه معنوی
- ۲ - توضیح اصطلاح
- ۳ - اقسام مغالطه ترکیب بین قضایا
  - ۳.۱ - مغالطه سوء تألیف
  - ۳.۲ - مغالطه به اعتبار نتیجه
    - ۳.۲.۱ - مصادره بر نقیض مطلوب
    - ۳.۲.۲ - اخذ ما لیس بعله علة
- ۴ - پانویس
- ۵ - منبع

### اسباب مغالطه معنوی

مغالطه معنوی، اسباب متعددی دارد که به دو قسم عمده تقسیم می‌شود:

۱. مغالطه معنوی اجزای قضایا؛
۲. مغالطه معنوی تألیف قضایا.

### توضیح اصطلاح

غلطهای معنوی نمی‌تواند در مفردات واقع شود، بلکه در ترکیب حاصل از مفردات واقع می‌شود. این مغالطت یا در خود یک قضیه، صرف نظر از تألیف آن با قضیه یا قضایای دیگر در قالب استدلال رخ می‌دهد که آن را **مغالطه معنوی اجزای قضایا** گوئیم و یا در تألیف و ترکیب یک قضیه با قضیه دیگر که آن را مغالطه معنوی تألیف قضایا می‌نامیم و ترکیبی که بین قضایاست یا ترکیب قیاسی است یا ترکیب غیر قیاسی.

### اقسام مغالطه ترکیب بین قضایا

غلط و خطایی که در ترکیب بین قضایا واقع می‌شود چهار قسم است، زیرا خطا یا در ترکیب قیاسی واقع می‌شود یا در ترکیب غیر قیاسی؛ نوع دوم را «جمع مسائل در مسئله واحد» گویند.

### ← مغالطه سوء تألیف

نوع اول یا به اعتبار نتیجه است یا بدون اعتبار نتیجه. اگر به اعتبار نتیجه نباشد یا در **صورت قیاس** است به این نحو که **هیئت قیاس** عقیم باشد؛ مثل: «انسان حیوان است و حیوان نجس است» و یا در **ماده آن** است به این نحو که به سبب **غفلت** از شرطی از شرایط از حالت انتاج منحرف شود، به طوری که اگر آن **شرط ذکر** شود از صورت قیاسی خارج شود و اگر به‌مان بی‌اعتنایی شود مقدمه کاذب باشد؛ مثل: «هر انسانی از آن لحاظ که ناطق است، ناطق است و هیچ ناطقی از آن لحاظ که ناطق است حیوان نیست». اینجا اگر این قید **حیثیت** در هر دو مقدمه باقی باشد، **صغرا** کاذب است، و اگر از هر دو حذف شود **کبرا** کاذب است و اگر در کبرا ثابت و از صغرا حذف شود **صورت قیاس** مختل می‌شود، این دو قسم مغالطه را «**سوء ترکیب**» یا «**سوء تألیف**» گویند.

### ← مغالطه به اعتبار نتیجه

نوع دوم (یعنی **مغالطه** به اعتبار نتیجه) یا به این **علت** است که از مقدمات، قضیه‌ای غیر از خود آنها لازم نمی‌آید و یا اگر لازم بیاید چیزی غیر از مطلوب است.

← ← **مصادره بر نقیض مطلوب**

نوع اول را در قیاس مستقیم، «**مصادره** بر مطلوب اول» گویند و در **قیاس خلف**، «مصادره بر **نقیض** مطلوب» گویند.

← ← **اخذ ما لیس بعلة علة**

قسم دوم «اخذ ما لیس بعلة علة» است؛ یعنی علت قرار دادن چیزی که علت نیست، زیرا قیاس، علت نتیجه است و تشکیل قیاسی که نتیجه مطلوب نمی‌دهد غلط است.

[۱] **علامه حلّی، حسن بن یوسف، الجوهر النضید، ص ۲۷۲-۲۷۴.**

[۲] **مشکوٰۃ الدینی، عبدالمحسن، منطق نوین مشتمل بر المعات المشرقیه فی الفنون المنطقیه، ص ۶۰۰.**

[۳] **مشکوٰۃ الدینی، عبدالمحسن، منطق نوین مشتمل بر المعات المشرقیه فی الفنون المنطقیه، ص ۶۰۷.**

**پانویس**

۱. **↑ علامه حلّی، حسن بن یوسف، الجوهر النضید، ص ۲۷۲-۲۷۴.**

۲. **↑ مشکوٰۃ الدینی، عبدالمحسن، منطق نوین مشتمل بر المعات المشرقیه فی الفنون المنطقیه، ص ۶۰۰.**

۳. **↑ مشکوٰۃ الدینی، عبدالمحسن، منطق نوین مشتمل بر المعات المشرقیه فی الفنون المنطقیه، ص ۶۰۷.**

**منبع**

**پایگاه مدیریت اطلاعات علوم اسلامی، برگرفته از مقاله «مغالطه معنوی، تألیف قضایا»، تاریخ بازبینی ۱۳۹۶/۴/۲۲.**

رده‌های این صفحه: **اصطلاحات منطقی | مغالطه معنوی**